گزارش خبرنگار «فرهیختگان» از گشت و گذار در نمایشگاه اسباب‌بازی

# هایپرمارکت اسباب‌بازی در خیابان حجاب

محمدحسین سلطانی
خبرنگار

**تونل وحشت والدین کجاست؟ با وضعیت فعلی قیمت‌ها می‌شود گفت تمام فروشگاه‌هایی که خط و ربطی به ملزومات داشتن فرزند دارند تونل وحشت پدر و مادرهاست، اما در میان این تونل‌های وحشت، اسباب‌بازی‌فروشی‌ها در یک سطح دیگر تونل وحشت جیب والدین هستند. فرقی نمی‌کند که عروسک‌ها چینی باشند یا ایرانی، چهره خندان و مظلوم عروسک‌ها از هر تونل وحشتی پدر و مادرها را بیشتر می‌ترساند. البته ایرانی‌ها با ملاطفت بیشتری با پدر و مادرها برخورد می‌کنند و همین باعث شده در روندی تدریجی جایشان را در سبد خانواده‌ها باز کنند. روندی که در عالم باعث آن شده است: اول تناسب بودجه مردم با اسباب‌بازی‌های ایرانی و دوم نمایشگاه‌های اسباب بازی که در سال‌های اخیر برگزار شده. یکی از همین نمایشگاه‌ها در حوالی خیابان حجاب در حال برگزاری است. مسئولان برگزاری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نام این نمایشگاه را نهمین جشنواره ملی اسباب‌بازی گذاشته‌اند، جشنواره‌ای که چند سال اخیر جایش را میان تولیدکنندگان اسباب‌بازی پیدا کرده است؛ اما میان مردم چطور؟**

## نمایشگاه یا فروشگاه؟

حوالی ساعت سه بعدازظهر، به در ورودی محل برگزاری نمایشگاه رسیدم. چرخ فروش ذرت مکزیکی، پیرزن دست‌فروش و مرد میان‌سال بادکنک‌فروش، نشان می‌دادند که بازار نمایشگاه چندان هم کساد نیست. وارد سالن نمایشگاه شدیم. اولین احساسی که از نمایشگاه می‌شد گرفت یک هایپرمارکت بود. اگر غرفه‌های اطراف سالن را در نظر بگیریم، نمایشگاه ملی اسباب‌بازی چیزی فراتر از یک فروشگاه نسبتاً بزرگ نبود. فروشگاهی که در قفسه‌هایش به‌جای لوازم خوراکی حجم عظیمی از اسباب‌بازی ریخته شده بود. تنها نقطه مثبت سالن در نگاه اول حضور یک ربات بود که بچه‌ها با بالا رفتن از روی کول آن، حال‌وهوای نمایشگاه را تا حدودی عوض کرده بودند. اگر بخواهیم غرفه‌های دور ردیف قفسه‌ها را هم حساب کنیم، باز هم نمایشگاه نهم سروشکل منسجمی پیدا نمی‌کند. با تمام این تفاصیل استقبال برای یک‌روز غیرتعطیل خوب است. برای آنکه بفهمیم ماجرا در روزهای دیگر هم همین‌طور است یا نه سراغ خریداران را از یکی از فروشنده‌ها می‌گیرم. فروشنده‌ای که توضیحات زیر بسته‌بندی اسباب‌بازی‌هایش به عربی ترجمه شده، گویا شبوخ خلیج‌فارس‌نشین هم اسباب‌بازی ایرانی استفاده می‌کنند!

فروشنده که بعزوز منش به ۳۰ می‌رسد با چشمانی مشتاق به میکروفن نگاه می‌کند و با این جمله کلیشه‌ای مصاحبه را آغاز می‌کند: «فقط سوال سخت نپرس.» فروشنده ۳۰ساله‌اش ادامه می‌دهد: «برگزاری به لطف خدا خوب بود. نتیجه مطلوب حاصل شد، سال گذشته هم در نمایشگاه فعالیت داشتیم. فرقمان در سال جدید در کارهای نوبی است که آورده‌ایم! یعنی عروسک‌های مفصل‌دار. ما نزدیک به ۱۰۰ مدل جدید عروسک مفصل‌دار طراحی کرده‌ایم و مجموعه داستانی آن‌ها هم منتشر شده که در کنار هر عروسک به فروش می‌رسد.»

## مهندسی معکوس به‌جای استفاده از انیمیشن‌های ایرانی

همین‌جا سؤالی به ذهن می‌رسد: فروشنده‌های ایرانی در حال مهندسی معکوس هستند؟ برخلاف خارجی‌ها که اول محتوای رسانه‌ای را تولید می‌کنند (حالا می‌خواهد کتاب باشد یا انیمیشن) و پس از آن به سراغ ساختن اسباب‌بازی می‌روند، فروشنده‌های ایرانی اول اسباب‌بازی را تولید و بعد داستانش را روایت می‌کنند؟ این هم اتفاقی است! وقتی فروشنده عروسک‌های مفصل‌دار از اتیکار مجموعه‌شان صحبت می‌کند حواسم به باقی غرفه‌ها معطوف می‌شود. هر چقدر سر می‌چرخانم خبری از بچه‌زنگ، بعی قهرمان، پسر دلفینی، شاهزاده رومی، سیا ساکتی و حتی کلاف‌فرمزی و شخصیت‌های برنامه مهمونی نیست. به شکل مشخصی در نمایشگاه کانون پرورش فکری انیمیشن‌های داخلی حضور ندارند. این وضعیتی برخلاف نمایشگاه ایران‌نوشت است که در شهریورماه امسال برگزار شد. با آنکه ایران‌نوشت هم ایرادهایی جدی در برگزاری داشت؛ اما حال‌وهوای نمایشگاه ایرانی بودن را داشت. در ایران‌نوشت به شکلی مشخص کاراکترهای ایرانی حضور داشتند؛ اما مثلاً اینکه ماجرا در انیمیشن متفاوت است.

تولیدکننده عروسک‌های مفصل‌دار ادامه می‌دهد: «اولین سری داستانی با عنوان «ساره حیات» روی این محصولات چاپ شده که در آن کلیه شخصیت‌ها معرفی می‌شوند. نکته مهم این است که تمامی این شخصیت‌ها (فیگرتوی‌ها) نام‌های متفاوتی دارند و هر یک در داستان، زندگی خاص خود را دنبال می‌کنند؛ چه حیوانات دریایی در اعماق دریا و چه موجودات بخش‌های دیگر. هدف اصلی این است که داستان به سمت استعدادیابی، آموزش و هدایت کودکان به‌سوی موفقیت پیش برود.» با نگاهی به قفسه‌های نمایشگاه نه‌تنها آثار تولیدکننده عروسک‌های مفصل‌دار بلکه بخش مهمی از قفسه‌ها هم محتوای آموزشی و بازی‌های فکری آن را پر کرده است. با این حال چینش محتوایی آثار به شکلی است که می‌توان گفت همه‌مدل اسباب‌بازی در نهمین دوره قرار گرفته‌اند.

## حاشیه سود هاکم و کم و کمتر می‌شود

از دیگر نکات مثبت نمایشگاه اسباب‌بازی حضور تماماً ایرانی تولیدکنندگان است، البته بخش مهمی از اسباب‌بازی‌های تولیدشده، به دلیل محصول پتروشیمی بودن مواد اولیه کاملاً داخلی ندارند. کالاهای خارجی بسیار کمند و به نظر در کل این جشنواره همه تولیدکنندگان داخلی حضور داشتند. تولیدکنندگانی که پرسش مهم درباره آن سودی است که نصیبشان می‌شود. با نگاهی به قیمت ثبت‌شده روی اسباب‌بازی‌ها رنج قیمتی از چندده‌هزار تومان آغاز می‌شود تا حدود دو میلیون تومان برای اسباب‌بازی‌های بزرگ. بااین‌حال قیمت‌ها با فروشگاه‌های بیرون از نمایشگاه تفاوتی چشمگیر دارد. این تفاوت چشمگیر نشان می‌دهد که حاشیه سود ها به طرز چشمگیری تغییر کرده و کم شده. با مونا عمادی مدیر اجرایی نمایشگاه صحبت کردم، مدیری که چندین دوره می‌شود مسئولیت برگزاری نمایشگاه اسباب‌بازی بر عهده او افتاده است: «به علت ارتباطی که با تولیدکنندگان داریم، درخواست کردیم باتوجه‌به اینکه هم بحران شرایط اقتصادی هم فروش برای تولیدکنندگان وجود دارد، اگر امکان دارد –چون نمایشگاه، جشنواره ملی و مردمی است– افزایش قیمت زیادی را برای ما نگذارند تا ما بتوانیم در نمایشگاه کالاها را ارائه بدیم. می‌شود گفت ۸۰ درصد تولیدکننده‌ها همکاری کردند و قیمت‌ها را در محدوده‌ای قرار دادند که مطلوب بود و این قیمت‌ها را خودشان پیشنهاد دادند، ما هم همان را برای مشتریان گذاشتیم.»

البته صحبت‌های عمادی را باید در کنار صحبت‌های غفره‌داران قرار داد تا وضعیت تولیدکنندگان در نمایشگاه شفاف شود. اکثریت تولیدکنندگان با آنکه از فروشمان در نمایشگاه رضایت داشتند؛ اما وضعیت صنعتشان را در شرایط مطلوبی نمی‌دیدند. یکی از این افراد تولیدکننده عروسک کاموایی بود. تولیدکننده‌ای که به نظر می‌رسید چندان سن‌وسال‌دار نباشد؛ اما شیفته‌هایش تمام سفید شده بود. تولیدکننده عروسک کاموایی می‌گوید: «متأسفانه با وجود افزایش قیمت مواد اولیه، مجبوریم به‌عنوان تولیدکننده، چرخه تولید را حفظ کنیم. برای تشویق مردم‌به خرید، سود را کاهش داده‌ایم تا قیمت نهایی مناسب‌تر باشد. درواقع، حتی اگر از ابتدا سود مناسبی برای خود در نظر بگیریم، به دلیل ضرورت تخفیف به فروشندگان یا مصرف‌کنندگان نهایی (برای جذب خرید عمده یا خرده)، درنهایت حاشیه سود به‌شدت کاهش می‌یابد.»

تولیدکننده عروسک کاموایی که می‌بیند با او همراه هستم و صحبت‌هایش را می‌فهمم، جملاتش را این‌طور ادامه می‌دهد: «مسئله اینجاست که وقتی در مرحله بعدی تولید، قیمت مواد اولیه ناگهان افزایش می‌یابد، عملاً سودی باقی نمی‌ماند. این چرخه تنها برای بقا ادامه می‌یابد، نه برای سودآوری. مثلاً عروسک‌هایی که قبلاً با قیمت ۵۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان عرضه می‌شدند، اکنون به دلیل افزایش هزینه‌ها نمی‌توانند با همان قیمت به فروش برسند. شبیه یک فروشگاه بزرگ بود تا یک نمایشگاه حرفه‌ای.»

او هم ادامه می‌دهد: «البته حمایت از تولیدکننده در همین نمایشگاه هم تا حدی اتفاق افتاده؛ مثلاً محصولات در معرض دید قرار گرفتند و تبلیغات شد، اما تأثیر نهایی محدود بود. اگر کسی چیزی نخرد، صرفاً با دیدن محصولات، ممکن است ورشکستگی در آینده به سراغ برند ما بیاید. من سال اولی است که در این نمایشگاه شرکت می‌کنم، جوان همواره متمرکز بر فروش مستقیم بوده است تا واسطه‌ها حذف شوند.»

حرف‌های عروسک‌ساز برایم قابل‌درک است؛ ولی اگرچه افزایش حجم فروش برای تولیدکننده مفید است، اما ذات یک نمایشگاه باید برای یک کالا ۸۸ درصد بود. قیمت‌ها بسیار مناسب تعیین شده و از نظر افزایشی، چشم‌انداز خاصی نداشتیم. اما مزیت آن این است که تقدیگی تا حدی بازمی‌گردد. به نسبت نمایشگاه‌های قبلی، بد نیست. البته دو نکته وجود دارد: اولاً تبلیغات و اطلاع‌رسانی خوبی انجام شد و استقبال مناسبی داشتیم. ثانیاً باتوجه به افزایش قیمت مواد اولیه، توان خرید مردم کاهش یافته و این موضوع تا حدی بر استقبال عمومی تأثیر گذاشت. ما ترجیح می‌دهیم محصولات را با قیمت بالاتری عرضه کنیم، اما تقاضای مردم و مسئولان جشنواره این اجازه را به ما نمی‌دهد. در کل، اینجا بیشتر شبیه یک هایپرمارکت اسباب‌بازی است که همه برای فروش آمده‌اند. سبک نو و جالبی بود، اما حالت کلی به‌گونه‌ای است که گویی نهایتاً تبدیل به یک فروشگاه بزرگ شده است.»

چارسو

## عموهای فیتیله‌ای نوروز به تلویزیون می‌آیند

محمد بصیری، تهیه‌کننده «دوقلوها» در گفت‌وگو با ایسنا درباره طولانی شدن زمان ساخت این برنامه و زمان پخش آن گفت: «این روزها همچنان در مرحله پس‌تولید هستیم. این مجموعه در ۹۰ قسمت تولید شده و برنامه‌ریزی این بود که آذرماه روی آنتن برود اما با توجه به حجم سنگین تولید و بخش‌های مربوط به ویژوال، کار به تأخیر افتاد و به نظر می‌رسد شبکه، پخش آن را برای رمضان و نوروز در نظر بگیرد.»

او درباره اینکه این روزها عملاً آنتن تلویزیون از برنامه کودک خالی شده است، اظهار کرد: «ما یک برنامه ۹۰ قسمتی هستیم و بخشی از آنتن را می‌توانیم پر کنیم. تلویزیون می‌تواند تولیدات بیشتر و بهتری داشته باشد و هنرمندان بیشتری در این زمینه فعالیت داشته باشند و آثار خوبی تولید کنند که امیدوارم این اتفاق بیفتد و شاهد آثار بهتری روی آنتن تلویزیون باشیم.»

## ۱۴۰۴ سال پرکار مصطفی کیایی

مصطفی کیایی که سریال‌های «هم‌گناه» و «بی‌گناه» را در کارنامه کاری خود دارد، مجموعه نمایش خانگی «کاردرست» را کارگردانی و تهیه خواهد کرد. این سریال قرار است در سال ۱۴۰۴ از پلتفرم فیلیمو پخش شود.

طبق برنامه پخش این پلتفرم، کیایی در سال آینده با دو مجموعه «هزار و یک شب» و «کاردرست» در نمایش خانگی حضور خواهد داشت.

اویس از مهران مدیری، افشین هاشمی و کیارش اسدی‌زاده، چهارمین کارگردانی خواهد بود که در یک سال، دو سریال در نمایش خانگی دارد. کیایی که هنوز در حال کار روی پروژه «هزار و یک شب» (محصول مشترک ایران و ترکیه) است، هنوز سریال بعدی را کلید نزده؛ بنابراین این احتمال وجود دارد که پخش «کاردرست» به اواخر سال ۱۴۰۴ موکول شود. هنوز از فهرست بازیگران و زمان تولید این سریال خبری منتشر نشده است.

ادامه در صفحه ۱۳





«فرهیختگان» آثار سیاست‌زده و ماقبل نقد را که به موفقیت در اُسکار رسیده‌اند، بررسی کرد

# سینما را نمی‌شناسم ولی جایزه را چرا

ایمان عظیمی
خبرنگار گروه فرهنگ

**بالاخره نامزدهای نودوهشتمین دوره اُسکار هم مشخص شدند. در میان انتخاب‌های اعضای «آکادمی علوم و هنرهای سینما» بودند فیلم‌هایی که به سیاسی بودن اسکار امسال هم صحه می‌گذاشتند و این مسئله را پررنگ می‌کردند. شاید بسیاری این تصور به ذهنشان خطور کند که اسکار و برگزیدگانش در طول دوره‌های متمادی همواره سیاسی بوده‌اند و هیچ‌وقت انتخاب فیلم‌ها و آثار با مر و معیار سینمایی صورت نگرفته است، ولی اینچنین نیست. اگرچه، دیدگاه تصمیم‌گیرندگان صنعت سینمای آمریکا هم چندان فاصله‌ای با سیاستمداران ایالات متحده در دو طیف جمهوری‌خواه و دموکرات ندارد ولی آن‌ها در اغلب دوره‌ها حداقل ظاهر امر را رعایت می‌کردند و به آثاری که تبدیل به «سینما» نمی‌شدند جایزه نمی‌دادند و تحویلشان هم نمی‌گرفتند. درواقع توجه هالیوود و جوایز سالانه‌اش به فیلم‌ها در وزیک شکل صنعتی و تلاقی آن‌ها هنر سینما نبود و اگر هم می‌خواستند. فیلمی در راستای اهداف امپریالیستی آمریکا تولید کنند و به آن جایزه بدهند شیوه پرداخت به ماجرا برایشان بسیار اهمیت داشت. جایزه اسکار بسیار بیشتر از فستیوال کن به «صنعت سینما» بها می‌دهد و برخلاف جشنواره «برلین»، «ونیز» و... به‌صورت آشکار سیاسی و مضمون‌زده نیست. باتوجه به تمام این موارد اما اسکار هم در سال‌های اخیر فرمان از دستش در رفته و سیاست‌های پشت انتخاب‌هایش را به جلوی صحنه آورده است. در این گزارش می‌خواهیم به بهانه حضور فیلم «دانه انجیر معابد» در میان نامزدهای رشته بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان به فهرستی از آثار سیاست‌زده و ماقبل نقد که به موفقیت در اسکار –چه در میان نامزدها و چه در بین برندگان– رسیدند اشاره کنیم.**

## آرگو

بالاخره آمریکایی‌ها باید فکری به حال ایکوی متورم تاریخی‌شان در رابطه با تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام می‌کردند و پس از گذشت سال‌ها پشت دوربین قرار می‌گرفتند تا خلأ روایت در مورد این اتفاق تاریخی را به سبک خود پر می‌کردند. قرعه فال به نام «بن آفلک» کارگردان و بازیگر مشهور هالیوودی افتاد و او پشت دوربین فیلم مرد دنقو، یعنی «آرگو» قرار گرفت. این اولین‌بار بود که ماجرای لانه جاسوسی و تسخیر آن توسط دانشجویان در مرکز ساختار روایی و بصری موجودیتش را به اثبات می‌رساند و آمریکایی‌ها این فرصت را داشتند تا به‌واسطه اشراف‌شان بر تکنیک اثری درخور توجه را ساخته و آماده نمایش کنند. اما «آرگو» آن‌طور که اعضای آکادمی و هالیوودی‌های عموماً دموکرات انتظار داشتند موفق نبود و نظر اغلب منتقدان را هم به خود جلب نکرد. اما «هشتادونپنجمین دوره جوایز اسکار» برای سازندگان این اثر بسیار خوش‌یمن بود، چون آن‌ها در هفت رشته نامزد شدند و اسکار بهترین تدوین، بهترین فیلمنامه اقتباسی و از همه مهم‌تر جایزه بهترین فیلم را برای «جرج کلونی» «بن آفلک» و «گرنت هسلاو» به‌عنوان تهیه‌کنندگان مشترک اثر دریافت کردند. بدون تعارف، «آرگو» اگر می‌خواست جایزه‌ای در اسکار نصیبش شود با اغماض فقط باید به حضور موفق در شاخه بهترین تدوین چشم می‌دوخت ولی به لطف دولت دموکرات آمریکا در آن زمان و نقش برجسته میشل اوباما در برگزاری نمایش بی‌مایه و کودکانه بازیای اعلام نام بهترین فیلم و استفاده از اعتبار «جک نیکلسون» بن افلک هم توانست به هر ضرب و زوری که شده نام خودش را وارد تاریخ هالیوود کند. فیلم در شرایطی مهم‌ترین جایزه آن دوره اسکار را به دست آورد که «کوئنتین تارانتینو» برای «جانگوی رها از بند»، «استیون اسپیلبرگ» برای «لینکلن»، «زندگی پای» ساخته «آنگ لی»، «دیوید او. راسل» برای «دفترچه اُمیدبخش»، «عشق» ساخته «میشائیل هانیکه» و... به‌مراتب شرایط بهتری برای انتخاب شدن داشتند چون مسلمانان را تبدیل به سینما کردند و از نظر مردمی که به تماشای آن‌ها نشستند جذاب‌تر بودند. امروز با نگاه به فیلم‌های منتخب اسکار در سال ۲۰۱۲ درمی‌یابیم که کسی حرفی از آرگو نمی‌زند ولی جانگوی رها از بند با ملودرام جذاب دیوید او راسل کماکان در کانون توجه مخاطبان عادی و حتی جدی‌تر سینما قرار دارند. فیلم هم از طرف منابع ایرانی و هم از طرف منابع عموماً آمریکایی به دروغ متهم شد، اتهامی که گذشت زمان درستی آن را مشخص کرد و باعث شد تا اثر کم‌کم به دست فراموشی سپرده شود.

## اُسکار نژادپرست است؟ ولی این راهش نیست

جریان‌های چپ فرهنگی، ووک‌ها، اقلیت‌های نژادی و جنبش‌های هویت‌طلب جنسی در این سال‌ها همواره منتقد جوایز اُسکار بوده‌اند و بارها به این مسئله اشاره کردند که برگزارکنندگان این مراسم به‌هیچ‌وجه سهمی برای آن‌ها در میان برندگان و نامزدها قائل نمی‌شوند، پس باید این مسیر متوقف و طرحی نو آغاز شود. از این منظر برگزاری هشتادونهمین دوره اسکار یک نقطه عطف اساسی محسوب می‌شود. چون با ورود ترامپ به کاخ سفید حمله‌ها به هالیوود و صنعت آمریکا برای جدی گرفتن حقوق اقلیت‌ها در این جماعت اوج گرفت و درنهایت نتیجه هم داد. آن‌ها می‌خواستند در دوران ریاست‌جمهوری یکی از نژادپرست‌ترین روسای جمهور آمریکا از اسکار بیشترین استفاده را به نفع خود و جریانشان ببرند و جای پای‌شان را سفت کنند. وقتی «ازرا ادلمن» تهیه‌کننده و کارگردان رنگین‌پوست برای دریافت جایزه اسکار بهترین مستند برای فیلم «او. جی. ساخت آمریکا» به روی صحنه آمد عنوان کرد که جایزه‌اش را به همه قربانیان خشونت پلیس و بی‌عدالتی‌های نژادی موجود در ساختار آمریکا اهدا می‌کند. اعتراض اقلیت‌های نژادی و همین‌طور جنسی در هشتادوهشتمین دوره اسکار سبب شد تا اعضای آکادمی خیلی راحت به تغییرات جدی در دوره بعدی واکنش مثبت نشان دهند و از میان ۲۰ بازیگر نامزدشده در رشته‌های مختلف بازیگری، هفت نفر به اقلیت‌های نژادی اختصاص پیدا کند. درواقع سهمیه‌بندی جوایز در دوره هشتادونهم اسکار وارد فاز جدیدی شد و صاحبان آثار و کمپانی‌های هالیوودی برای کسب مجسمه طلایی اسکار به مضامین فیلم‌ها بیشتر از فرم و ساختار سینمایی اهمیت دهند. البته این تنها دلیل کافی برای سیاسی دانستن مراسم اسکار در آن سال نبود و حوادث دیگری هم در این میان رقم خورد که در ادامه به آن می‌پردازیم اما باید به این نکته در این لحظه اشاره کنیم که اگر سینمای آمریکا نژادپرست است ـ که نیست ـ این اتفاق نباید در انتخاب‌های اسکاری خودش را نشان دهد و به شکل تبعیض مثبت به نفع افرادی که بالاتر از آن‌ها نام بردیم ظهور و بروز پیدا کند.

## فروشنده

یکی از شگفتی‌های هشتادونهمین دوره اسکار در بخش خارجی آن رخ داد. جایی که «فروشنده» اصغر فرهادی در میان بهت بسیاری برنده مجسمه طلایی شد و کارگردانش را برای مرتبه دوم رستگار کرد. فروشنده در حالی اسکار رشته خارجی‌زبان اسکار آن سال را دریافت کرد که منتقدان و اعضای آکادمی شانسی برای آن قائل نبودند ولی ترامپ در این میان به کمک فرهادی آمد و فروشنده را به بهترین فیلم این بخش تبدیل کرد. فرهادی به بهانه صدور فرمان منع ورود مسلمانان به آمریکا از طرف ترامپ به آمریکا نیامد ولی آکادمی برای دن‌کجی به رئیس‌جمهور فروشنده را به‌عنوان برنده بهترین اثر غیرانگلیسی‌زبان معرفی کرد. فروشنده در حالی به اسکار رسید که همه متفق‌القول، «تونی اردمان» و «مردی به نام اُوه» را انتخاب شایسته‌تری برای این بخش قلمداد می‌کردند.

## همه‌چیز، همه‌جا، به یکباره

نودوهفتمین دوره مراسم اُسکار هم با یک انتخاب بحث‌برانگیز در پادها ماند. فیلم پررسروصدای «همه‌چیز، همه‌جا، به یکباره» به کارگردانی «دانیل کوان» و «دانیل شاینرت» در حالی جوایز اسکار در آن سال را دریافت کرد که کمتر کسی در بدو امر احتمال موفقیت این فیلم در فصل جوایز سینمایی را پیش‌بینی می‌کرد. اما فیلم با ایده شعاری نجات جهان به بررسه ظاهر شد ولی فقط توانست با ضرب و زور شعار و طرح بیانیه در متن تصویر گلیمش خودش را از آب بیرون بیاورد و کلی جایزه و تحسین بی‌خودی نثارش شود. «همه‌چیز، همه‌جا، به یکباره» با فروش ۱۴۳ میلیون دلاری با احتساب بودجه ۱۴ میلیون دلاری خوب عمل کرد ولی همه‌چیز برای این اثر در اسکار رقم خورد. فیلم در آن دوره اسکار هفت جایزه، اعم از «بهترین فیلم»، «بهترین کارگردانی»، «بهترین بازیگر نقش اول‌زن»، «بهترین بازیگر نقش مکمل مرد»، «بهترین بازیگر نقش مکمل زن»، «بهترین فیلمنامه غیراقتباسی» و «بهترین تدوین» را به دست آورد و رسماً در این رقابت هیچ شانسی برای دیگر آثار باقی نگذاشت! «همه‌چیز، همه‌جا، به یکباره» در حالی مطرح شد که برای بار دیگر، دست افرادی همچون «استیون اسپیلبرگ»، «باز لورمن»، «الوارد برگر» و «مارتین مک‌دونا» از کسب جوایز مهم اسکار کوتاه ماند و آن‌ها نتوانستند شیوه بیان سینمایی شان را با مضمون زدگی به نظر اعضای آکادمی تحمیل کنند. بحث در مورد خوب بودن یا بد بودن کیفیت فیلم‌ها نیست، بلکه بحث در مورد سینما بودن یا سینما نبودن تصاویر متحرک است. آثاری از قبیل «بابری» و «همه‌چیز، همه‌جا، به یکباره» اگرچه از رنگ و لعاب و اکت خوبی برخوردارند ولی به دلایل متعدد در حد حرف، مضمون و پیامی که قصد انتقال آن به مخاطب را دارند باقی می‌مانند و چیزی به تماشاگرشان اضافه نمی‌کنند.

## غرفه کوچکی که محو می‌شود

در میانه غرفه‌ها چشمم به غرفه‌ای می‌افتد که در گوشه‌ای کوچک در میان پست و چند غرفه نمایشگاه قرار گرفته و پیرمردی در آن عروسکی می‌دوزد. پیرمرد تا من را می‌بیند از جایشان بر می‌شود و از غرفه کوچکش که حتی جای ایستادن هم ندارد خارج می‌شود و به سمت من می‌آید. سلام و علیکش گرم است. از او درباره حضورش در نمایشگاه می‌پرسم. مثل اینکه از قدیمی‌هاست: «من در یکی دو سال پس از کرونا در نمایشگاه شرکت نکردم و امسال اولین بار است که پس از آن دوره حضور دارم. پیش از کرونا نیز در این رویداد شرکت کرده بودم. این نمایشگاه حاصل همکاری انجمن تولیدکنندگان اسباب‌بازی با کانون پرورش فکری است. وضعیت غفره‌ی نسبت به دوران قبل از کرونا بهبود یافته، اما مشکل اصلی کمبود تقاضایی در دست مردم است. شرایط اقتصادی به‌خوبی گذشته نیست و دلیل کاهش قدرت خرید خانواده‌ها شده است.» پیرمرد درادامه می‌گفت، پدر و مادرهای زیادی بودند که از مقابل قفسه‌ها سریع عبور می‌کردند تا نگذند چشم بچه‌ها به گران‌قیمت‌ها بیفتد. بچه‌ها هم شرطی شده بودند، اول قیمت را نگاه می‌کردند و بعد روی اسباب‌بازی‌ها دست می‌گذاشتند. یکی از پسربچه‌ها که حدوداً هشت یا نه ساله بود به مادر می‌گفت: «چه خبره! چرا قیمتش یک میلیون تومان بود!» پسربچه هم وضعیت اقتصادی را درک کرده. حاصل این درک پیرمردی قفسه اسباب‌بازی‌های گران‌قیمت است. اگر کار مردم از لمس کردن آن‌ها هم می‌ترسند. پیرمرد عروسک‌دوز ادامه می‌دهد: «اگر این‌ترین اسباب‌بازی‌های حاضر در نمایشگاه، عروسک‌هایی با قیمت ۲ تا ۳ میلیون تومان بودند. برای مقایسه، اگر بخواهید اسباب‌بازی‌های بزنده‌هایی مانند «لگو» را از فروشگاه‌های معتبر تهیه کنید، قیمت‌های جهانی بسیار بالاتری خواهید دید. اما نکته مثبت این نمایشگاه، شفافیت قیمت‌هاست. برخلاف بسیاری از نمایشگاه‌ها که قیمت‌ها را در صنوعی بالا می‌برند و بعدادعای تخفیف‌های کاذب می‌کنند، اینجا قیمت‌ها واقعی و مطابق با فهرست تولیدکنندگان است.» از پیرمرد می‌پرسید وضعیت نمایشگاه چطور بوده. بالاخره با تعجب جوان در آینه ببیند، پیرمرد خشت خام می‌بیند: «وضعیت کلی بد نبود، اما همان‌طور که گفتم، مشکل اصلی کاهش نقدینگی مردم به دلیل تورم بالا است. افزایش قیمت محصولات ما همسو با نرخ تورم نیست و این موضوع بر برنامه‌ریزی تولید برای ماه‌های آینده اثر می‌گذارد.» از او می‌پرسم: «به نظرتان نمایشگاه سال بعد هم برگزار می‌شود؟» با بخش برایم قابل‌پیش‌بینی نبود. پیرمرد دگفت: «ما برای ماه آینده هم نمی‌دانیم؛ باشد به پیاله چه برسد به سال آینده!»

## به سال بعد هم می‌رسیم!

بر اساس گفته‌های عمادی، مدیر اجرایی نمایشگاه، تولیدکننده‌های نهمین رویداد اسباب‌بازی حدود ۹۰ برنده هستند و ۲۵۰۶ قفسه کالا دارند. تعداد غرفه تولیدکننده‌هایی که در این نمایشگاه حضور دارند به حدود ۲۰ غرفه می‌رسد. البته این ۹۰ برنده تمام ظرفیت صنعت اسباب‌بازی در ایران نیست؛ اما بخش مهمی از آن است. صنعتی که نشانه ارتباط با رسانه است و حتی تولیدات جدید نمایش خانگی را به سرعت وارد چرخه خود می‌کند. شاهد مثالش هم بسته‌های «متعدد بازی» گل یا بوچ؛ «مافیا» در قفسه‌های نمایشگاه است. نمایشگاهی که بیشتر شبیه یک هایپرمارکت است تا نمایشگاه. همین مسئله سؤال من از موناعمادی می‌شود و او در پاسخ می‌گوید:

«جشنواره ملی اسباب‌بازی شامل چند بخش اصلی است: بخش فرهنگی، بخش نگارخانه عروسک‌ها و بخش ترویجی. بخشی که شما در آن قرار دارید، بخش فروشگاهی است. این بخش پر از غرفه‌های فروش است و فضای بازی نیز در آن وجود دارد. بخش ترویجی نمایشگاه شامل بازی‌ها، اسباب‌بازی‌ها و فضای سرگرمی است که در سالن تیمچه برگزار می‌شود. همچنین در سالن دیگری آسمان ماجود دارد. انجمن‌های علمی و ورزشی نیز حضور دارند و فضایی برای بازی بچه‌ها فراهم کرده‌اید.» بنا به توصیه عمادی نگاهی هم به بخش موزه عروسک‌ها و بخش ترویجی می‌اندازم. آن چنان خبری نیست، به جز حضور چند عروسک که گویا مربوط به اقوام خاص هستند. البته آن‌طور که عمادی گفت، برنامه‌هایی آخر هفته‌ها ترتیب داده شده و باید در آن زمان مورد ارزیابی قرار بگیرد. عمادی در ادامه صحبت‌هایش از تفاوت امسال و سال‌های گذشته می‌گوید. تفاوتی که اگر با وضعیت خرید در آن چندان مطلوب نیست: «در مورد بازخورد امسال، می‌توان گفت که چیدمان، تنوع کالاها و رضایت فروش در سطح متوسطی قرار دارد. نوآوری‌هایی نیز به بخش‌های دیگر جشنواره اضافه شده است. امسال برنامه‌هایی مانند عروسک‌گردانی و نمایش‌های مختلف برای کودکان برگزار می‌شود. در روزهای پایانی جشنواره، به دلیل استقبال زیاد، بازی‌ها و ورزش‌های مختلف نیز انجام می‌شود. بعد از هر سالن، برنامه‌هایی مانند نمایش آتش‌نشانی اجرایی شود و بسیاری بچه‌هایی تولیدکننده بسالن ترویجی بروند و بازی کنند یا عروسک‌های اقوام ایرانی را ببینند. از طرف کعمادی می‌گوید همه برگزارکنندگان و مدیریت‌ها و بخش‌های جانبی نمایشگاه‌ها زندگی شاید برای مردم هم بسیار مفید باشد. البته بخش‌های جانبی نمایشگاه به شکل مشخصی در حاشیه است و حتی چندان دیده نمی‌شود؛ اما پر واضح است که همین نمایشگاه شبیه به فروشگاه هم کورسوی امید عمادی، عروسک‌سازها و عروسک‌دوزهاست. عروسک‌دوزهایی که آثارشان در حال محوشدن است و تنها چند عروسک‌ورلیشی گران‌قیمت از سوی مارتیو و مارتیو به اثبات می‌رساند و هر قفسه‌های آنها باقی مانده است. عروسک‌هایی که اگر یک خانواده طبقه متوسط با دو فرزند بخواهد دو تا از آن‌ها را بخرد باید پاره‌ای کودکانش را هزینه کند.

## بردپیت با یک فیلم ماجراجویانه بازمی‌گردد

بردپیت در فیلم «قلب هیولا»، فیلم آکشن ماجراجویی به کارگردانی دیوید آیر برای پارامونت پیکچرز بازی می‌کند. وی همچنین تولیدکننده فیلم از طریق کمپانی «پلن بی» خود خواهد بود. پیت و آیر پیش از این در فیلم «خشم» همکاری کرده بودند. در آن درام که سال ۲۰۱۴ ساخته شد، پیت در نقش یک گروهبان سرسخت ارتش آمریکا بازی کرد که مأموریت خطرناکی را با خدمه یک تانک ۵ نفره شرمن پشت خطوط دشمن در روزهای پایانی جنگ جهانی دوم هدایت می‌کند.

فیلم «قلب هیولا» در بارویک‌سر باز سابق نیروی ویژه ارتش و سگ‌رزمی بازنشسته‌اش است که پس از سقوط هواپیما در دل دشت‌های آلاسکا برای بقا می‌جنگند.

برای پیت بازی در این فیلم به نوعی ادامه راه «فرمول وان»، اکشن ورزشی با بودجه بالای ایل است که انتظار زیادی برای اکران آن وجود دارد و برادران وارنر آن را ۲۷ ژوئن اکران می‌کنند.

## طرفداران هری پاتر جنجال به پا کردند

قرار است سریال تلویزیونی «هری پاتر» به کارگردانی کریس کلمبوس ساخته شود اما طرفداران جوانه این مجموعه مخالف ساخت چنین سریالی هستند. طرفداران نسخه سینمایی هری پاتر می‌گویند هشت قسمت آن حق مطلب را در رابطه با داستان رمان‌های جی کی رولینگ ادا کرده است. به همین خاطر این گروه از طرفداران عقیده دارند نیازی به احیای داستان این رمان‌ها نیست و دلیلی برای ساخت نسخه تلویزیونی آن وجود ندارد. ک